

تحلیل و بررسی اهمیت اسب در اقتصاد ایران باستان

امیررضا نجفوند دریکوندی^۱، امیرحسین نجفوند دریکوندی^۲، حمید حمادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان امام رضا (ع) اندیمشک (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان امام رضا (ع) اندیمشک

^۳ دکتری تخصصی علوم تربیتی گرایش فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

چکیده

هدف از پژوهش تحلیل و بررسی اهمیت اسب در اقتصاد ایران باستان می باشد. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی از نوع کیفی است و روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای است که از منابع مدون شامل کتابها، رساله ها و مقالات استفاده شده است. در میان حیوانات اسب دارای مقام و منزلت زیادی در ایران باستان بود، بگونه ای که نخستین بار مردم این سرزمین اسب را رام کرده و بر پشت آن زین نهادند. اسب در تحول کشاورزی نیز تاثیر فراوان داشت به طوری که برای تهیه آذوقه آنها که همانا یونجه دوسر باشد، سرزمین های زیادی زیر کشت رفت و حتی صادرات این اقلام کشاورزی باعث تحول اقتصاد منطقه گردید. اسب در حمل بار، میدان نبرد و همراهی شکارچی در میدان شکار قابل توجه است. این نقشمایه حیوانی در دوره های متعدد در آثار هنری ایران قابل مشاهده است. به کار گرفتن اسب مسله حمل و نقل را حل کرد. کشت مزارع را آسان نمود و حتی تهیه یونجه برای اسب ها باعث تحول عظیمی در کشاورزی شد. به طوری که هنوز هم یونجه کاری در مناطقی از ایران فراوان است و به نواحی دیگر نیز صادر می شود. بنابراین این حیوان در شکار، کشاورزی و جنگ همراه انسان بوده. نقوش گوناگون اسب و سواران بر دیوارغارها، نقش برجسته ها، روی مهرها همگی نشان دهنده نقش عمده اسب در زندگی ایرانیان است.

واژه های کلیدی: اسب، ایران باستان، اقتصاد، کشاورزی، کوچ کردن، خوراک اسب، شکار.

۱. مقدمه

در طول تاریخ خلقت بشر نیاز به زندگی رفاه، آسایش، مبارزه، جنگ، حرکت و مهاجرت از نقطه ای به نقطه دیگر و نیاز به تغذیه داشته و همیشه در نبرد با حیوانات و شکار آنها بوده تا از نیروی کار، گوشت، پوست و مو و شیر آنها استفاده کند به گونه ای که تصور زندگی بدون وجود حیوانات اهلی را غیرممکن دانسته است.

اسب در میان این حیوانات از ارزش و اهمیت والایی برخوردار بوده است. ایرانیان باستان به عنوان مردمانی دام پرور از این حیوان در جنبه های مختلف زندگی خود همچون سواری و حرکت از جایی به جای دیگر، جنگ، چاپارخانه، تفریح و مسابقه، خوراک و ... استفاده های شایان برده اند علاوه بر این مشاغل زیادی نیز در ارتباط با این حیوان ایجاد شده است که خود منبع درآمد و گذاران روزگار بسیاری از خانواده ها بوده است علیرغم چنین حضوری که این حیوان در زندگی ایرانیان داشته است ولی کار پژوهشی چندان قابل توجهی در این ارتباط انجام نشده است که از نظر تاریخی این جنبه را برای همگان آشکار سازد، تلاش بر این است تا ضمن بررسی سیر تاریخی استفاده از اسب توسط ایرانیان، موارد مختلف اهمیت این حیوان مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از موجبات پیروزی ایرانیان باستان بر دشمنان، استفاده از اسب های اصیل و چابک بوده است. استفاده از اسب و نیز وسایلی که برای سواری با این حیوان ساخته شد، سهم زیادی در پیشرفت تمدن داشت. وجود نقش های برجسته، تصاویر و نقاشی های این حیوان، اسامی که پسوند اسب دارد و ... از اهمیت فوق العاده این حیوان در ایران باستان حکایت دارد. از آنجایی که اسب در دوران باستان در ایران کارایی بسیاری داشته و ماشین جنگی و تمام کارهای کشاورزی و حمل مواد و مصالح ساختمانی و باعث پیشرفت مردمان چه از نظر معیشت زندگی و چه در صحنه جنگ و تجارت، بنابراین هدف از این موضوع ارائه اطلاعات دقیق و کامل تری نسبت به شناخت این حیوان نزد ایرانیان باستان و تربیت و پرورش آن می باشد. اسب، حس آزادی، پایداری، سپاسگزاری، پیروزی، قدردانی، سرعت، فهمیدگی و فراست و غرور برای صاحبش که همان انسان سواره است به همراه می آورد. پرورش این حیوان در ابتدا برای قربانی کردن در پیشگاه خدایان بود در بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع باستان نشان می دهد که این اقتصاد بر اساس کشاورزی، دامداری و مبتنی بر اقتصاد معیشتی بوده است که در آن اسب نقش مهمی ایفا می کرد.

۲. چارچوب نظری

۱. اسب در دوران غارنشینی (دوران موستر)

نقوشی که انسان ساکن غار بر اساس عقاید و باورهای خود با ابزار و وسایلی ساده نشانی از خود به سازگار گذاشته است. آثاری که پس از سالها و هزاره ها هنوز کاملاً شناخته نشده و گهگاه نمونه های تازه تری در نقاط مختلف ایران کشف می شود. اولین نمونه ی چنین سنگ نگاره هایی که مربوط به انسان غارنشین است، در منطقه ی لرستان کشف گردید. "حمید ایزدپناه" که این سنگ نگاره ها را برای اولین بار بررسی و معرفی نموده بود، در کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان، آن را چنین معرفی می نماید:

"در کوه های اطراف کوهدهشت، نقوشی به رنگ های قرمز و سیاه بر دیوار بعضی از غارها موجود است. برای رسیدن به این غارها، راهی سخت و دشوار را باید طی کرد، زیرا همه ی نقشها در یک محل نیستند. قسمتی در کوه "سرسرخن" و بقیه در کوه "همیان" قرار دارد. این نقوش شاید پیرترین و کهن ترین آثار هنری اقوام ایرانی هستند که هنوز هم جوان مانده اند و پس از گذشت قرن ها و هزاره ها، رنگ و حالت آن ها که نمودی از کیفیت زندگی و نشانه ای از اندیشه و بالاخره هنر ذاتی آن هاست که هم چون کتابی که با خط تصویری نوشته شده باشد و مبین و روشنگر گوشه ای از تمدن زمان های دوری است که باقی مانده اند (ایزد پناه، ۱۳۷۶).

در میان آثاری از دوران موستر در ایران کشف گردیده مهمترین آنها که به سال ۱۹۴۹ پژوهش یافته حجاری در کوه بیستون است در این کوه کتیبه معروف داریوش اول حک شده این کوه آهکی در کنار راه قدیمی ای قرار گرفته که بین النهرین را به ایران وصل میکند. این غار در بین راه کرمانشاه و همدان در کناره دره‌های نزدیک چشمه‌های قرار دارد. دو سوم از بقایای استخوان‌های حیوانات فراوانی که در غار شکارچیان مانده است مربوط به گوزن‌ها و یک سوم مربوط به اسب‌های وحشی بوده است (گرانوفسکی، ۱۳۹۰).

علیرغم مطالب بسیاری که در زمینه تاریخ اولیه اهلی کردن اسب در آسیای غربی از جمله فلات ایران چاپ و منتشر شده است هنوز جنبه‌های مختلف پرورش و استفاده از اسب و تأثیر آن در اقتصاد و جوامع پیش از تاریخ و تاریخی کاملاً مبهم است در این زمینه معمولاً سه منبع اطلاعاتی یعنی اطلاعات مربوط به استخوان‌شناسی مدرک تصویری و اشیای مربوط به زین و یراق اسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بر اساس یافته‌های استخوان از محله‌های باستان سیلک (طبقه) و شاه تپه (۱۱ و ۱۱۱) تصور میشد که فلات ایران اولین خاستگاه اهلی کردن اسب بوده است (طلایی، ۱۳۷۴).

۲. قربانی کردن اسب

در تخت جمشید که تنها مدارکی دال بر وجود تعداد زیادی مغ بلکه تقدیم نذرهایی به اهورامزدا و سایر ایزدان نظیر هومبان خدای ایلام وجود دارد مغان سهمیه آذوقه و شراب داشتند احتمالاً بزرگان دین هر یک درباره‌ها کوچک خود مغانی داشتند آرامگاه کوروش نگهداران مغی داشت که ماهانه یک اسب قربانی میکرد و سهمیه گوشت فراوان برایش میفرستاد (مانوئل کوک، ۱۳۷۸).

ایرانیان اسب‌ها را نیز به قربانگاه می بردند همانطور که هندیها سکایی‌ها ژرمن‌ها هم نیز چنین کردند (آرتور گوبینو، ۱۳۸۳). سنت قربانی چارپایان سودمند در افسانه‌ها و روایت‌های اساطیری اوستای متأخر به رغم بینش زردشت که مخالف قربانی بود بسیار دشوار است تقریباً همه نامدارانی چون هوشنگ و جمشید برای پیروزی بر دشمن یا رسیدن به مقصد هریک صد اسب قربانی میکرده‌اند. علاوه بر اوستای متأخر و روایت‌های پهلوی از مورخان یونانی و رومی نیز درباره قربانی کردن اسب گزارش‌هایی در دست است.

هرودت می نویسد: «ماساکتها بر گستوان اسبان را با زر می آرستند و برای خدایشان خورشید اسب قربانی میکردند زیرا بر این باور بودند که برای چالاکترین خدایان باید چابکترین جانوران را قربانی کرد این برداشت ماساکت‌ها پیوند تنگاتنگی با این باور ایرانیان باستان داشت که اسب را مظهر خورشید میدانستند.

گور کوروش در بازارگاد (دشت مرغاب) در میان باغی است کمبوجیه پسر کوروش به چند تن از مغان سپرده شده که آنان هر روز از شاه یک گوسفند. مقداری آرد دریافت می کنند و همراه یک اسب از برای کوروش قربانی می کنند.»

گزنفون از تشریفات جشنی در ایران در قرن چهارم پ م پس اصلاحات اردشیر دوم یاد میکند که به گمان او هرساله برپا میشده است می گوید: «که در آغاز گروهی از مردان نیزه دار می آیند سپس گاوان و اسبان را برای قربانی می آورند سپس گردونه مقدس اهورامزدا و از پس آن دو گردونه مهر و ناهید می آیند.»

به گفته استرابون کتاب ۱۱ فصل ۴ آیه ۹ خستریاوان ارمنستان هرسال برای شاه بیست هزارکره اسب برای برگزاری اعیاد میترا بفرستد در سال ۴۸۰ در استرومون مغ‌ها اسبان سفید قربانی کردند تا نشانه مساعدت به دست آورند (رجبی، ۱۳۸۲).

۳. وسیله ایاب و ذهاب پزشکان و دستمزد آنها در ایران باستان

در ایران باستان پزشکان باید در آمد کافی داشته باشند تا بتوانند محلی ممتاز که مجهز به اثاثیه و لوازم باشد زندگی کند و غذایی سالم و لباس کافی و اسبان تیزرو داشته باشند.

داشتن اسب تندرو برای طبیب از واجبات بوده زیرا بدون استعانت از آن نمی توانسته به عیادت برود به خصوص محل بیمار دور از خانه طبیب بوده است (میر جعفری و دیگران، ۱۳۵۳).

اسب از چارپایان بسیار گران بها بوده است به موجب وندیدا (ملاحظه می شود) که دستمزد پزشکان به وسیله جنس و چارپایان پرداخت می شده است و به موجب یسنا زردتشت خود در انتظار وعده ای است که به وی شده و آن مزدی است برابر با ده مادیان اسب و یک شتر چنانکه اشاره شد اسب حالت تانیت اسم و به معنی مادیان است چنانکه برای اسب نر ارشن (Arsan) می آید و در پهلوی گشن (Gosn) شده که در فارسی باقی است نیز کاربردی به معنی مرد و دلیر و نیرومند دارد.

پزشک اگر یک آترپاتن را درمان کند دعای نیک دریافت نماید یک خانه سالار نمانه پئی تی (Nama Paiti) را درمان کند یک ستور پست و کوچک در عوض بگیرد یک تیره سالار (ویس پئی) Vis Paiti را درمان کند یک ستور بزرگ در عوض بگیرد.

یک پزشک برای درمان رئیس یک شهر دستمزدش باید یک گردونه با چهار اسب دریافت می کرد. هرگاه نخست همسر و زوجه سالار را درمان کند یک ماده گاو به او پاداش میدادند. هرگاه زوجه یک زنبد را درمان کند یک مادیان به او پاداش میدادند و هرگاه زوجه یک شهربان را درمان کند یک ستور میانه و یک ستور متوسط را درمان کند یک ستور کوچک پاداش گیرد یک چارپای خرد درمان کند یک ستور کوچک پاداش گیرد یک ستور کوچک را درمان کند چارپای خرد درمان کند یک خوراک گوشت پاداش میگیرد منظور از پرداخت این ستوران و چارپایان در عین جنس با بهای آن بوده است. بیگمان روزگار کهن دستمزد با جنس پرداخت می شده و پس از رواج پول بهای جنس پرداخت نمی شده است و شایان توجه رواج حالت که در این متن از وجود رواج دامپزشکی و دامپزشکی نیز آگاه میشویم. قابل توضیح است که به موجب یک قطعه اوستایی ارزش یک اسب خوب برابر است با ارزش ۸ گاو باردار یا آبستن (رضی، ۱۳۸۱).

۴. عشایر کوچ نشین و پرورش اسب

از اسب استفاده گسترده می شد چون برای شخم زدن ورزا گاو و گاری استفاده می کردند و برای حمل و نقل بار از الاغ استفاده می کردند بار را بر پشت حیوان می گذاشتند یا حیوانی را به گاری و ارابه می بستند پرورش و استفاده از اسب به عنوان فعالیت کلی اقتصادی یک عده از مردم نخستین بار در دره دجله و فرات و در میان کاسی ها قومی کم تمدن بودند و فرهنگی داشتند که به پای فرهنگ سومری ها و بابلی ها نمی رسید (گرانوفسکی، ۱۳۹۰).

مردم کوچ نشین که تابستان ها را با احشام خود در کوه ها سپری می کنند و در زمستان به کوهپایه ها کوچ می کنند ارتباطات در این منطقه تا این اواخر به خصوص در زمستان به سختی صورت می گرفت در تابستان اسب و استر عمده ترین وسیله نقل و انتقال اسب این منطقه از طریق راه های طبیعی از طرف شرق به منطقه آسیای مرکزی و از طرف غرب تالش به منطقه قفقاز مرتبط می شود (طلایی، ۱۳۷۴).

کوچ عشایر کوچ نشین دیدنی بود که عشایر ایرانی سخت به آن دل بسته بودند از زمانیکه عشایر ایرانی در این منطقه ساکن شدند و مسئله پرورش اسب در میان ساکنان دارای اعتباری فراوان گردید و حتی بومیان هم به پرورش اسب در میان ساکنان دارای اعتباری فراوان گردید و حتی میان هم به پرورش و سواری اسب سخت گرایش یافتند (میر جعفری و دیگران، ۱۳۵۳).

۵. اسب در کشاورزی

در قلمرو قبایل ماد افراد جامعه به طور کلی به دامداری و زراعت اشتغال داشتند ولی پرورش اسب در میان آنان اهمیت خاصی داشت چنانکه مادی ها به عنوان پرورش دهندگان اسب مشهور بودند.

قبایل ماد در ابتدای امر برای چراندن گله های خود و یافتن مراتع سرسبز اغلب ناگزیر شدند که به ییلاق و قشلاق بپردازند ولی بعدها که جمعیت آنها زیاد شدند مجبور بودند که در دهات و شهرها ماندند که برای خوراک زمستان مراتعی و چارپایان خود محلی برای ذخیره علوفه و آذوقه تهیه کردند اقتصاد ماد مبنی بر دامداری و کشاورزی بود (میر جعفری و دیگران، ۱۳۵۳).

طبقه برزگران که فعالیت اقتصادی انجام می دادند توصیف کاملی از وضع اجتماعی آنان در آثار آن روزگار به چشم نمی خورد.

گیرشمن درباره این طبقه چنین می نویسد: «ملک بزرگ مبنای محصولی فلاحتی در عصر هخامنشی بوده است و آن توسط رعایای وابسته به زمین و همچنین به وسیله غلامانی که بر اثر فتوحات همراه می آورد کشت می شد ملک کوچک وجود داشت و اما محتملاً نسبت به املاک بزرگ کم اهمیت می نمود این نوع املاک کوچک به خصوص در فارسی که از مالیات و عوارض معاف بود و دهقانان آن آزاد و مالک زمین بودند وجود داشت پادشاهان هخامنشی به کشت درختان علاقه مند بودند (شکور، ۱۳۴۷).

غیر از کشاورزی تربیت حیوانات اهلی و استفاده از آنها از دیرباز در ایران مورد توجه بود بگفته هروودت در سرزمین ایران اسبهای خوش اندام و پر خون تربیت می شد و قرن ها ایران یگانه مرکز نشر و نمای اسبان و سوارکاران بوده است. در ربع دوم هزاره دو ق.م استفاده از اسب همچون حیوانی اهلی در بسیاری از کشورهای آسیایی مقدم متداول گشت در آسیای صغیر در مستعمره آشوری (کاشی) قرن بیستم ق.م به تصویر عرابهای برمی خوریم که اسبان آن را می کشند و در ربع سوم هزاره دوم در کشور هیتی از اسب نه تنها برای کشیدن عرابه های جنگی (اسب نر) بلکه برای شخم زمین نیز مادیان استفاده می شد (دیاکونوف، ۱۳۷۹).

در بین النهرین در قرن هفدهم ق. م که در اوج پیشرفت اقتصادی و سیاسی بود در این دوره روشهای تنظیم شبکه های آبیاری بهبود می یابد از مکانیسم انتقال آب بر زمین های مرتفع به نحو وسیعی استفاده می شود، گاوآهن تکامل یافته و اسب به عنوان حیوانی اهلی مورد استفاده قرار می گیرد (لاروس، ۱۳۸۳).

از میان دو گروه کشاورز دوستدار ستور و غیر کشاورز پیرو غیر زمین و چارپایان به کشاورزی پناه بردند چون او بود که تیمار داشتشان میکرد و چارپایان به کشاورزان پناه می بردند و بهره ی اهورایی شایسته اش بود (رضی، ۱۳۸۳). در اوستا آمده است که زمین های کشت شده و بایر توسط نیروهای اهریمنی تصرف شده است لذا وظیفه هر جوان زردتشتی شخم زدن کاشت اراضی یا پرورش احشام و شخم زدن با حیوان اسب و گاو بوده است.

پولپ مورخ یونانی میگوید: «پادشاهان هخامنشی برای تشویق ایرانیان در اشتغال به زراعت و بهره برداری از منابع ارضی و مراتع ایران درآمد حاصله از این اراضی را تا ۵ نسل به زارع و خانواده اش واگذار می کردند اسب های مشهور ایرانی که باعث فتح های زیادی در این دوران شدند نتیجه دامداری در ایران بوده است (احمدیان و همکاران، ۱۳۷۲).

آریا ها دوره برهمنی کشاورزی و پرورش حیوانات از منابع عمده زندگی مردم بود ولی آب و هوای استوایی هند استعداد کشت نباتاتی را که به فلات ایران معمول بود نداشت و برنج غذای اصلی آنها بود و درباره حیوانات باید بگویم که آنها اسب و شتر را به هند بردند ولی شتر فقط در حوضه رود سند استفاده شد.

نیاکان قبایل باختری ایران پیش از استقرار دامداران کوچ نشین در دشت های یوزازی و تقسیم آنها به کوچ نشینان و کشاورزان زادگاه خود را ترک کردند اقتصاد پیشین این مناطق بنا به نظر باستان شناسان، دامداری، کشاورزی بوده است بنا به پژوهش اینان کار کشاورزی هنگامی به پیشرفت گرائید که در میان آریایی ها و به طور کلی ایرانیان شخم با گاوآهن (خیش) معمول شد (یونسکو، ۱۳۷۵).

۶. استفاده خوراکی از اسب

عدهای از مردم که از دشت های پهناور می باشد و از دره دانوب در اروپا و رو به سوی خاور تا کوه ها آلتایی در آسیای مرکزی گسترده است. اقوامی که در این چراگاه ها پهناور زندگی می کردند نوعی زندگی شبانی به وجود آوردند گله ها را می چرانیدند بر اسب سوار می شدند و از آن به عنوان دام شیری استفاده می کردند.

هومر حماسه سرا از این قوم کوچ گر به عنوان دوشندگان شیر اسب (اسب دوشان) یاد می کند شاید کاسی هایی که برای مدتی دراز در ایران می زیستند و بیش از آنکه در سال ۱۷۵۰ ق م از کوهستان های زاگرس بگذارند و به هلال حاصلخیز پا بگذارند و پرورش اسب را از اقوام شبانی دشت های آسیا آموخته باشند (لوکاس، ۱۳۷۶).

سکاها مردمانی چادر نشین بودند که قبایل گوناگون آنها ناحی های گسترده ای از دریاچه آرال تا جریان فوقانی رود دانوب را اشغال کرده بودند خوراک اصلی آنها شیر مادیان بود (ایسرائل، ۱۳۸۳).

هراکلیدس کومه ای نقل می کند (IV ۱۴۵۰) اما در واقع خوراک با صرفه جویی و حتی امساک ترتیب داده شده است و همین امر در مورد سایر پارسیان طبقه حاکم نیز صادق است هر روزه هزار حیوان برای خوراک شاهانه ذبح می شوند که از آن جمله اسب و شتر و گاو و گوزن و مهمتر از همه گوسفند اشاره کرد پرندگان مانند مرغ و غاز و خروس نیز مصرف می شدند و تمام به صورت گوشت بریان بین سربازان تقسیم می شد نگهبان سبک اسلحه پیاده نظام شاه تقسیم به قسمت های برابر می کردند بنابراین آنها مزدشان را به صورت سهمیه جنسی از شاه دریافت می کردند (مانوئل کوک، ۱۳۷۸).

در یشت های ۵ و ۹ و ۱۲ می خوانیم که شاهان و پهلوانان اساطیری باستان در کنار رود ها در بلندای کوه در کرانه دریا ها برای ایزدان اسب و گاو و گوسفند قربانی می کردند.

هرودت می نویسد میل فراوان ایرانیان به نوشیدن شراب در روز تولد شاه سخن می گوید و می نویسد که ثروتمندان در این روز یک اسب و یا یک گاو کباب می کنند و مردم عادی به پختن یک تکه گوشت قناعت می کنند (رجبی، ۱۳۸۲).

۷. خوراک اسب (علیق اسب)

اس ـ ی ـ آsa فارسی باستان به معنی (اسب) ظاهراً در زبان پارسی باستان اندک اندک جای خود را به اسپه (Aspa) ی مادی - پارتی داد در بابل کشت یونجه در میان دو رود بین النهرین تازگی داشت به نام مادی (اسپست) (۱) به معنی خوراک اسب خوانده می شد و نخست در قرن هشتم ق.م از آن یاد شده است (دیاکونوف، ۱۳۷۹).

کوروش همیشه به یاران و گماشتگان خود دستور میداد که به اسبها علیق کافی بدهند تا آنها خوب سواری بدهند تا این مرکب ها یاران صدیق و عالی جاه او را با شکم خالی سواری ندهند و هرگاه در حین پیشروی و حرکت در معرض تماشای جمع کثیری بود یاران وفادار را فراخواند تا به عامه نشان دهد که چه کسانی مورد احترام و عنایت او هستند (گزنفون، ۱۳۸۶).

کشت یونجه از دوران باستان در ایران رواج داشت و زراعت این گیاه از این منطقه ریشه گرفته است یونجه را ایرانیان برای تغذیه اسبان خود به کار می بردند نخستین باری که از زراعت در ایران به عمل آمده و نوشت های بابلی متعلق به ۷۰۰ ق.م است در آن نوشته با یونجه زیرا نام ایرانیش اسپاسی به معنی غذا اسب ذکر شده است یونانیان که به این گیاه در مناطق مادی ایران آشنا بودند آن را مدیکه نام گذاشتند. اسپاسی غذای اسب در پهلوی اسپیت نامیده میشود.

چزان تيسان سیاح چینی که در ۱۲۶ ق.م به ایران آمده است و از فرغانه تخم یونجه را که خوراک اسب بوده است و نامش در فارسی (اسب ریس) است با تعدادی اسب از نژاد خواص که آن را اسب آسمانی خوانده با خود به چین برده است.

به نوشته مورخان یونانی اسپریس را اساساً علف مادی خوانده اند یعنی (Madike) هم اکنون نیز آن را (Medieag) می نامند و چون اسپریس خوراک اسب است پس در جایی نشو و نما یافته که خوراکش آنجا بوده است و چون اسپریس بومی ایران است پس اسب هم از دام های بوی ایران است و چون از دام های بومی ایران بوده ساکنان این سرزمین توفیق رام کردن آن را یافته اند (فرشاد، ۱۳۶۶).

اسپست (اسفست) که امروز یونجه گویند جزء دوم این واژه از ریشه اد (Ad) می باشد که در سانسکریت به معنی خوردن است در زبان لاتین گیاه سرزمین ماد خوانده شده این گیاه مانند خود اسب به ایران زمین اختصاص داشته و در کشورهای اسب خیز ایران بکشت و زر آن اهمیت می دادند (پورداود، ۱۳۸۰).

از سخن طبری در تاریخش در سخن ازگزیت (مالیات) در زمان خسرو انوشیروان می توان به اهمیت ارزش اسپست در ایران باستان پی برد از برای یک جریب که گندم یا جو کاشته میشد یک درهم مالیات وضع می کردند از برای یک جریب موز از هشت درهم از برای یک جریب اسفست هفت درهم از برای چهار درخت خرما ایرانی یک درهم از برای هر شش درخت خرما معمولی یک درهم از برای شش درخت زیتون یک درهم چنانکه آمده است اسپست پس از انگور گرانبهترین محصول بوده و جو که آن هم غذای اسب است با گندم یکسان بوده است.

دشت بین بیستون و اکباتان به سبب علف و یونجه های معروف که به علف ماد نام گذاری شده در آنجا اسب های معروف نسایی پرورش می یافتند که گاهی پیش از پنجاه هزار مادیان در آن سرزمین بسر می بردند آریانوس هم گاهی ۱۵۰۰۰ یکصد و پنجاه هزار مادیانی را که ستور گاه سلطنتی را تشکیل می داد قید می کند (بریان، ۱۳۸۱).

۸. مالیات اسب

بنا به نوشته ریچارد فرای باج و خراج های حکومت هخامنشی بسیار فراوان بوده است خراج بندر باج بازار و دروازه، عوارض راه و مرز، باج چهارپایان، حیوانات اهلی حدود ده در صد برقرار بوده و افزون بر پیشکشی های جشن های نوروز و مهرگان هرگاه شاه سفری می کرده رنج دیگری بر مردم محل وارد می شده است. داریوش که کشور ایران را به بیست حاکم نشین ساتراپ در ایران به وجود آورد و خراج هایی که به ملت خود تحمیل نمود به ترتیب زیر انجام می داد.

برای آنهایی که خراج خود را به نقره می پرداختند اساس مالیات را تالان بابل گرفت و برای آنهایی که به طلا می پرداخته اند تالان (اوبه) (Eobee) به کار می برد.

حاکم نشین اول اهالی یونی، چهار صد تالان نقره به خزانه می پرداختند حاکم نشین دوم اهالی سبزی و از نواحی آسیای صغیر پانصد تالان می پرداختند حاکم نشین دوم و سوم و مردم شمال غربی آسیای صغیر ۳۶۰ تالان میدادند از حاکم نشین چهارم سیصد و شصت اسب سفید و پانصد تالان نقره می رسید.

مالیات اجناس نیز خیلی زیاد بوده است به گونه ای که خوار و بار بابل ثلث خوراک تمام سپاهیان درباریان می شده است مصر معادل خوراک یک قشون و بیست هزار نفری غله می داده است (خلیل الله مقدم، ۱۳۸۰).

مادها اسب و قاطر و دویست هزار گوسفند و ارمنی ها سی هزار کره اسب می دادند مالیات کلیکی ها ۵۰۰ تالان نقره و ۳۶۰ اسب سفید یک اسب برای هرروز و ۱۴۰ تالان که صرف مخارج پادگان سواره نظام می شده است بقیه ۳۶۰ تالان کالاهای هندی از جمله طلا پرندگان و حیوانات هند از سایر حیوانات غیر از اسب هندی که به جهت هیکل و قامت کوچکتر از اسب های مادی است که به نژاد نسا شهرت دارد. کاپادوکیه سالیانه علاوه بر مالیات به نقره ۱۵۰۰ اسب ۲۰۰۰ قاطر و ۵۰۰ رأس دام کوچک می داد و خراج مادها دو برابر آنها بود (هرودت، ۱۳۸۰).

استرابون می نویسد که ارمنستان چنان مراتع سرسبزی داشت که اسبان به شاهان پارس اختصاص داشت اطلاعات استرابون مربوط به خراج جانور و کاپادوکیا ارمنستان و ماد باز می گردیم (بریان، ۱۳۸۱). در زمان هخامنشیان سیستم ویژهای برای بهره کشی از زمین به کار می رفت شاه قسمتی از سربازانش را در زمینه ایی که مالکان جزء آن دارای سهامی اشتراکی بودند مستقر می کرد یگان های کاملی از این سربازان گویا به نام حفظ نظم و سامان در این املاک پادگان بودند مالکان جزء این سرزمین ها بایستی مقداری مالیات جنسی یا نقدی بابت استقرار این سربازان به دولت میپرداختند این پرداخت به نام مالیات تیر و کمان، اسب، ارابه و... شهرت داشت و گویا آن بود که این سربازان به جای آنها وظایف نظامی را برای ملکشان انجام می دهند (گرانوفسکی، ۱۳۹۰).

۹. مسابقه اسب سواری

کوروش در ازای پیروزی که بر بابل داشت جشن باشکوهی تدارک دید در ضمن جشن یک مسابقه اسب دوانی بین سواران برپا می کند و اینکه سواران دسته دسته برحسب ملیتشان به هدفی که در پنج استادی بود بتازند و خودش هم با پارسیان به تاخت در آمد و چون همواره در هنر سوارکاری چالاک و آزمودن بود از همه پیش افتاد پس از آن گردونه ران ها مسابقه دادند و به همه برندگان پاداش های نیکو مانند جامه های گرانبها و گاوان خوب بخشیده شد و به کوروش ورزای چند جام بزرگ رسید (شاپور شهبازی، ۱۳۸۸).

و در همان جشن یک سوارکاری (Saker) سکه در اسب دوانی پیروز می شود و اسب پیروز را به فراولاس پیشکار کوروش میدهد فراولاس هدیه او را پذیرفته ولی اسب خودش را به وی میدهد کوروش مسابقات کشتی گیری و جنگ ترتیب می داد و به برندگان مسابقه پاداش های پرارزش اعطا کرد کوروش سعی کرد نیروی بدنی و روحی سپاه خود را تقویت نماید و هرگونه لوازمی که برای لشکرکشی مهم و ضروری بود تهیه می کرد تعداد از پارسی ها توسط سوارکاران مادی فنون سواران را یاد میدادند و هنرهای رزمی و سوارکاری را به آنها یاد می دادند (ولفگانگ، ۱۳۸۶).

وقتی که خشایار شاه در تدارک حمله به یونان به سرزمین تسالی رسید دستور داد که بین اسبان شاهی و بومی مسابقه ای ترتیب بدهند زیرا شنیده بود که اسب های تسالی در یونان از بهترین اسب ها هستند ولی اسب های ایرانی جایزه مسابقات را به آسانی از آن خود نمودند و توانایی اسب های ایرانی بالاتر از اسب های تسالی بود (هرودت، ۱۳۸۰).

۳. نتیجه گیری

بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع باستان نشان می دهد که این اقتصاد بر اساس کشاورزی، دام داری و مبتنی بر اقتصاد معیشتی بوده است که در آن اسب نقش مهمی ایفا می کرد. تنها حیوانی که در سفر تکاملی و تاریخ با انسان همراه و همگامی کرده و می کند اسب است و ایرانیان از همان ابتدای فرهنگ خود ارزش اسب این جانور زیبا، سودمند، هوشمند و دلیر را دریافته و آن را از آفریدگان نیک دانسته به نگهداری و پرورش و پرستاری آن کوشیده اند.

اولین بار ایرانیان اسب را در سواره نظام و جنگ بکار برده و تشکیل سواره نظام، تشکیل و ایجاد چاپارخانه ها یا ساخت وسایل زین و برگ و یراق در صنعت، استفاده از اسب در شکار و مسابقات و تجارت و کشاورزی از اختراعات ایرانیان بوده است. آریاییان در پرورش اسب و تیمار آنچنان پیش رفتند که به تدوین اصول این امر پرداختند.

اسب به عنوان یکی از مهمترین جانوران در زندگی بشر، جایگاهی برجسته در میان هنر و فرهنگ ایران یافته است. به نظر میرسد این نگاره ریشه در اسطوره ها و اعتقادات دوران باستان در مورد این حیوان دارد.

اهمیت سلامت اسب از نظر اقتصادی موجب شد که اختراعات مهمی از جمله نعل های میخ دار انجام پذیرد. حتی صنایع دستی و هنرهای بومی از این نظر تحت تاثیر قرار گرفتند. نقوش اسب بر روی سفالینه ها، انواع مهرها و لوازم تجملی که با الهام از اسب ساخته می شد، دال بر این قضیه است. نقش اسب در حیات اقتصادی ایران باستان آن چنان بوده است که در موارد بسیاری یکی از اقلام مهم مالیات، باج و خراج و هدایا، اسبان زیبا و تندرو بودند (مجیدی خامنه، ۱۳۹۳).

۴. منابع و مراجع

۱. ایزدپناه، حمید. آثار باستانی و تاریخی لرستان. (۱۳۷۶). ج ۱، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صفحه ی ۳۴۲.
۲. گرانوفسکی، ادوین آردیدوویچ. تاریخ ایران: از زمان باستان تا امروز. (۱۳۹۰). ترجمه کیخسرو کشاورزی، چاپ سوم، ناشر: مروارید، صفحه ی ۲۶ و ۷۴ و ۸۷.

۳. طلایی، حسن. باستانشناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. (۱۳۷۴). چاپ اول، انتشارات سمت، صفحه ی ۱۰۹ و ۸۳۶.
۴. مانوئل کوک، جان. شاهنشاهی هخامنشی. (۱۳۷۸). ترجمه ثاقب فر، انتشارات ققنوس، ۲۷۲ و ۲۵۰.
۵. آرتور گوینو، ژوزف. شکوه ایرانیان. (۱۳۸۳). ترجمه رضا مستوفی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صفحه ی ۲۳.
۶. رجبی، پرویز. هزاره گمشده. (۱۳۸۲). چاپ دوم، جلد اول، انتشارات توس، صفحه ی ۴۲۹ و ۲۹.
۷. میر جعفری، حسین و دیگران. تاریخ فرهنگ ایران. (۱۳۵۳). چاپ سوم، تهران انتشارات ثقفی، صفحه ی ۱۹ و ۱۱۵.
۸. رضی، هاشم. دانشنامه ایران باستان: عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی. (۱۳۸۱). چاپ اول، جلد یک، انتشارات سخن، صفحه ی ۳۰۱-۳۰۰-۲۹۹.
۹. شکور، محمد جواد. تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان. (۱۳۴۷). انتشارات دانشسرای عالی، صفحه ی ۲۷.
۱۰. دیakonوف، ایگور میخائیلوویچ. تاریخ ماد. (۱۳۷۹). ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، صفحه ی ۱۲۲ و ۱۴۶.
۱۱. لاروس. تاریخ جهان لاروس: روزگار باستان و قرون وسطی. (۱۳۸۳). سرویراستار مارسل دونان، ویراستار مشاور متن انگلیسی جان بل، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، جلد اول، انتشارات سروش، صفحه ی ۳۷.
۱۲. رضی، هاشم. اوستا کهن ترین گنجینه مکتوب ایران باستان. (۱۳۸۳). چاپ پنجم، انتشارات بهجت، صفحه ی ۱۶۲.
۱۳. احمدیان، صادق، آزاده، فریدون. سیر تاریخ کشاورزی ایران. (۱۳۷۲). انتشارات جشنواره هنری ادبی روستا، صفحه ی ۱۶-۱۵.
۱۴. یونسکو. تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی (کتابی از یونسکو) بخش اول جلد اول. (۱۳۷۵). ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، اداره نشر وزارت امور خارجه، صفحه ی ۱۲۸.
۱۵. لوکاس، هنری استیون. تاریخ تمدن. (۱۳۷۶). جلد اول، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سخن، صفحه ی ۹۳.
۱۶. ایسرائل، ژرار. کوروش بزرگ. (۱۳۸۳). ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ هشتم، انتشارات ققنوس، صفحه ی ۷۷.
۱۷. گزنفون. لشکرکشی کوروش. (۱۳۸۶). ترجمه وحید مازندرانی، چاپ چهارم، انتشارات کتاب، صفحه ی ۸۱.
۱۸. فرشاد، مهدی. تاریخ علم در ایران. (۱۳۶۶). جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، صفحه ی ۷۷۹.
۱۹. پورداود، ابراهیم. فرهنگ ایران باستان. (۱۳۸۰). چاپ اول، انتشارات اساطیر، صفحه ی ۲۳۴ - ۲۳۳.
۲۰. بریان، پیر. امپراتوری هخامنشی. (۱۳۸۱). ترجمه ناهید فروغان، جلد اول، انتشارات فرزانه روز، صفحه ی ۶۵۵-۶۵۶.

۲۱. خلیل الله مقدم، احمد. تاریخ مستند ایران و جهان. (۱۳۸۰). جلد اول، انتشارات دژ، صفحه ی ۱۶۷-۱۶۵-۱۶۴.
۲۲. هرودت. تواریخ. (۱۳۸۰). ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات دنیای کتاب، صفحه ی ۲۲۳ و ۴۰۵.
۲۳. شاپور شهبازی، علیرضا. زندگی و جهاننداری کورش کبیر. (۱۳۸۸). جلد اول، انتشارات دنیای کتاب، صفحه ی ۳۲۰.
۲۴. ولفگانگ، ویلهلم. کوروش شهریار دادگر. (۱۳۸۶). ترجمه بهرام شالگونی و کریم طاهر زاده، انتشارات بهزاد چاپ دیبا، ۱۸۵-۲۳۶.
۲۵. مجیدی خامنه، فریده. (۱۳۹۳). نقش اسب در فرهنگ ایران باستان، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی مؤسسه‌ای علمی - پژوهشی.